

مجلس آینده



همه گروه‌های سیاسی مطرح کشور، این روزها با تشکیل اتلاف‌های فکر به رقابت سیاسی در چگونگی کسب اکثریت کرسی‌های مجلس دهم می‌اندیشند و مهم‌ترین دغدغه آنان این است که مجلس آینده به کدامیک از جناح‌های سیاسی تعلق می‌گیرد؟! رقابت سیاسی گروه‌ها و احزاب سیاسی در کسب صندلی‌های قانونگذاری در همه نظام‌های پارلمانی دنیا امری بدیهی و طبیعی است. اما آنچه در فرایند گزینش کاندیدها در ایران از سوی احزاب و گروه‌های سیاسی برای رسیدن به مجلس مورد بررسی قرار می‌گیرد،

رأی‌آوری صرف و شانس فرد مورد نظر در اقبال عمومی است و متأسفانه در میان هیاهوهای سیاسی رقابت، چیزی که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، توانایی و شایستگی نامزدها، در چگونگی پایان دادن به مشکلات متعدد داخلی و خارجی کشور است. آزمون صحیح رقابت سیاسی در انتخابات دهم، نه در تعداد کرسی‌های نمایندگی هر کدام از احزاب و گروه‌هاست! بلکه آنچه مهم و اساسی است، تلاش و مساعدت و مسابقه در فرستادن کسانی به مجلس است که خود یک ملت باشند برای کشور! و مثل امثال مدریس‌ها و مصدق‌ها در شرایط زمانی و مکانی خاص خود، بتوانند در پیچ‌های حساس تاریخ و گشودن گره‌های کور کشورداری، نقش‌آفرینی کنند و به راستی عصاره فضایل ملت باشند. والا! طرح و نمایش مشکلات کشور، بحث و سخنرانی و برجسته‌کردن گرفتاری‌های مردم با شعارهای مبهم، بدون دادن راه حل منطقی و کارشناسی هنر نمایندگی مجلس نیست! مجلس باید به صورت قانون کارشناسی در میان گروه‌های سیاسی کشور، موتور محرکه توسعه و پیشرفت کشور باشد، یا به زبانی دیگر تمام کارهایی که یک دولت توسعه‌گرا باید انجام دهد و همه اندیشه‌ها و تحرکاتی که باید در مسیر افزایش قدرت و توان ملی شکل بگیرد باید هسته مرکزی‌اش مجلس شورای اسلامی باشد. مجلسی که منطقاً نقطه ثقل و محور قاعده‌مندی و سامان داخلی کشور است و باید توانایی برنامه‌ریزی در راستای مکانیزم‌های داخلی و خارجی برای حفاظت از فرهنگ و اقتصاد و امنیت ملی را داشته باشد. بنابراین دلسوزان و نخبگان و مدعیان توسعه کشور باید از هم‌اکنون به نوعی حرکت کنند تا مجموعه‌ای توانمند از نخبگان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در حوزه تصمیم‌گیری و اندیشه‌سازی بتوانند از طریق آرای مستقیم

مردم، پیگیری توسعه کشور را نمایندگی کنند. فلذا برای شکل گیری مناسب مجلس آینده باید کانونهای قدرت از هم اکنون در کشور به نوعی حرکت کنند که هر گروهی خود را در امتداد کانونهای دیگر قدرت در راستای منافع ملی تعریف کند. مجلس آینده باید با برخورداری از یک منبع تحریک کننده فلسفی به نام توسعه ایران اسلامی از مسائل فرعی به دور باشد و این مهم جز با رقابت حزبی سالم و منطقی و نقش فزاینده مردم در تصمیم گیریهای انتخاباتی و سیاسی ممکن نیست. انتخابات مجلس آینده باید پلی میان گروههای سیاسی مطرح کشور، طراحی کند و ارتباطی سازمانی و ارگانیکی میان دسته جات و طبقات اجتماعی و گروههای سیاسی، برقرار نماید و به خصوص اصلاح طلبان باید بپذیرند که تلاش برای کشاندن مجلس آینده به اردوگاه خود بار دیگر ورود به ورطه تکرار در تاریخ چالشهای متقابل را رقم خواهد زد و اصولگرایان هم باید دریابند که مجلس برای آنان هرگز یک باشگاه سیاسی حزبی نیست بلکه مجلس شورای اسلامی قلب تپنده جمهوریت نظام است که جمهوری از طریق آن به نظام راه می یابد و پیروی از سیاست تک صدایی در مجلس نه تنها به بن بست سیاسی کشور می انجامد بلکه اولویتهای را خدشه دار می کند و شکافهای سیاسی و اجتماعی درون کشوری با تاریخ پیچیده و ترکیبی چندزبانی را عمیق تر می نماید! فلذا هر تلاشی از جانب یکی از اضلاع قدرتمند سیاسی برای تسلط بر دیگری در مجلس آینده در نهایت منجر به تضعیف خلاء مفهوم نخبگی و کارشناسی در کشور می گردد و چشم انداز مثبت پیوستن اصلاح طلبان و اصولگرایان در نظام همکاری کارشناسی در سطح ملی را برای چندمین بار به تاخیر می اندازد.